



روحانی در دیدار با گروسی: آژانس مسؤولیت مهمی درباره برجام دارد

رئیس‌جمهور با بیان این‌که از نظر ما آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، گفت: آژانس علاوه بر وظایف فنی و تخصصی خود در زمینه پادمان و پروتکل الحاقی‌که ایران داوطلبانه آن را اجرامی‌کند، در ارتباط با برجام و حفظ این سند چند جنبه‌نیز مسؤولیت مهمی به‌عهده دارد. حسن روحانی در این دیدار حفظ استقلال، بی‌طرفی و حرفه‌ای

تروریسم به فضای مجازی هم رسیده است

گفت و گو با دبیرکل بنیاد هایبیلیان درباره تروریسم و شهدای ترور

انقلاب اسلامی ایران که پیروز شد، دست‌اندازی غربی‌ها به سفره رنگارنگ ثروت‌های این سرزمین نیز به پایان رسید، اما غربی‌ها و در رأس آنها آمریکا تلاش کردند عقده‌های فروخورده ناشی از رانده‌شدن از ایران را با خصومت آشکار با ملت و نظام جمهوری اسلامی جبران کنند. نقشه کشیدن برای ترور فیزیکی و اقتصادی جزو طرح‌هایی بود که آمریکا، اسرائیل و رژیم سعودی با صرف منابع مالی فراوان در طول ۴۰ سال گذشته بعد از پیروزی انقلاب درصدد طراحی و اجرای آن بودند. نهاد نوپای انقلاب به فاصله‌اندکی بعد از استقرار درگیر مواجهه‌ای تام و تمام با گروهک‌های مسلح شد. سازمان مجاهدین خلق که متعاقبا سازمان منافقین نامیده شد، به عنوان بازوی اصلی ترور و تحت حمایت نیروهای خارجی، تحرکات تروریستی و اقدامات خرابکارانه را آغاز کرد. انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت محمدعلی رجایی رئیس‌جمهور و محمدجواد باهنر نخست وزیر، انفجار دفتر حزب جمهوری و شهادت آیت‌ا… بهشتی و بیش از ۷۰ نفر از مسؤولان قوای اجرایی و تقنینی، سوءقصد نافرجام به آیت‌ا… خامنه‌ای، ترور آیت‌ا… علی قدوسی، دادستان کل کشور و به شهادت رساندن جمع زیادی از مردم بی‌گناه ایران در ابتدای انقلاب و همچنین ترور شهید سپهبد صیادشیرازی جانشین ریاست ستادکل و اسدآ… لاچوری دادستان سابق انقلاب تهران حاصل کارنامه ننگین این گروه تروریستی است. برای بررسی ابعاد مختلف ترور و گروه‌های تروریستی و همچنین بررسی عملکرد مدعیان حقوق بشر و به مناسبت واقعه ۸ شهریور و شهادت محمد علی رجایی و محمد جواد باهنر به گفت‌وگو با محمدجواد هاشمی نژاد، دبیر کل بنیاد هایبیلیان نشستیم و همچنین شنونده دل‌گویه‌های محمد انتظامی پدر شهیدان علیرضا و عرفان انتظامی بودیم که به‌واسطه انفجار تروریستی کانون رهپویان وصال در سال ۱۳۸۷ توسط گروهک تندر، داغدار فرزندانش است.

فتاح غلامی

سیاسی

چرا از ایران به عنوان کشوری قربانی تروریسم یاد می‌کنیم و اساسا کشورمان در مقایسه با سایر کشورها از جهت آسیب‌های ترور چه وضعیتی دارد؟

به چند دلیل، ایران را باید قربان تروریسم دانست. دلیل اول این‌که تعداد قربانیان ما به‌واسطه اقدامات تروریستی، زیادت‌ر از کشورهای دیگر است. دوم، افرادی که طعمه تروریسم شدند، وضعیتی استثنایی دارند. سوم این‌که وضعیت گروه‌هایی که اقدامات تروریستی انجام دادند و حمایت‌هایی که از آنها می‌شود، استثنایی است. می‌دانیم که حیات تروریست‌ها به‌خاطر حمایت و پشتیبانی قدرت‌های خارجی است و اگر این‌عامل نباشد، اساسا تروریسم امکان فعالیت ندارد. همه گروه‌های تروریستی در سراسر دنیا حامی دارند، اما میزان حمایت حامیان خارجی از تروریست‌های ایران ویژه است. نکته چهارم این‌که کشوری که قربانی تروریسم است، به عنوان حامی تروریسم مورد خطاب قرار می‌گیرد، ما از ۲۲ بهمن ۵۷ تا همین چند روز پیش همچنان در عرصه تروریسم، قربانی می‌دهیم. یعنی اگر بخواهیم جمعیت وطنه‌های دشمن علیه ایران در طول این چهار دهه را فهرست و گونه‌شناسی کنیم، اقدامات ترویستی پای ثابت این فهرست است. اولین توطئه آنها تروریسم بود و اولین حادثه ما در روز پیروزی انقلاب در سنجج با ترور یک روحانی اتفاق افتاد. بنابراین وطنه بزرگ و کشداری علیه جمهوری اسلامی‌راه افتاد و همچنان ادامه دارد. نکته دیگر این‌که اقدامات تروریستی در سراسر دنیا از جهت

فرد یا افرادی که مورد ترور قرار می‌گیرند، اقدام خیلی ویژه و بزرگی نیست و عمدتا مردم کوچه و بازار برای ایجاد رعب و وحشت ترور می‌شوند. اما استثنائا این ایران است که در آن در عرض چندماه بالاترین مقامات کشور ترور می‌شوند. مثل ایران در هیچ کشور دیگری سراغ نداریم که در عرض چند ماه رئیس دیوان عالی کشور، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، بالای ۷۰ نفر از نمایندگان مجلس، نمایندگان امام در استان‌های مختلف، ائمه جمعه و… به‌واسطه ترور به شهادت برسند. مثلا همین خانم مریم رجوی که الان دم از دموکراسی و حقوق بشر و حمایت از حقوق زنان می‌زند در کتابش به‌صراحت عنوان می‌کند ما در دهه ۶۰ پنج نفر از روحانیون رده بالا و از نزدیکان رهبر انقلاب را به شیوه مقدس انتحاری کشتیم. خوب این خانم جایگاه مستحکمی در میان کشورهای غربی دارد و اعضای منافقین آزادانه در پارلمان‌های اروپایی در حال تردد هستند و سرویس‌های امنیتی دنیا از دریچه این نوع آدم‌ها برای مردم ایران نسخه آزادی می‌پیچند. در هیچ جای دنیا نمونه دیگری را پیدا نمی‌کنید که روسیه‌ا‌ترین آدم‌ها براساس اعتراف دستگاه‌های حکومتی غربی این گونه مورد حمایت قرار گیرند. وزارت خارجه آمریکا سال ۱۹۹۷ عنوان می‌کند مردم ایران به‌شدت از این گروه متفرقند و علاوه بر کشتاری که کردند زمانی که مردم برای دفاع از خاک‌کشور می‌جنگیدن، آنهاکنار صدام قرار گرفتند و به‌خاک‌کشورشان خیانت کردند. البته باید به مردم ایران تبریک گفت که بعد از گذشت چهار دهه از انقلاب، همچنان گروه‌های تروریستی جزو منفورترین جریان‌ها به شمار می‌روند و این نشان می‌دهد که غربی‌ها ابزار ناکارآمدی در قبال مردم ایران دارند. دشمنان کشورمان هنوز نتوانستند برای مقابله با نظام، ابزار مقبول نزد مردم ایران پیدا کنند. جالب است که در پای‌ثابت‌بسیاری از مباحث حقوق بشری که علیه ایران مطرح می‌کنند، افرادی با این سابقه سیاه حضور دارند.

چرا از ایران به عنوان کشوری قربانی تروریسم یاد می‌کنیم و اساسا کشورمان در مقایسه با سایر کشورها از جهت آسیب‌های ترور چه وضعیتی دارد؟

براساس بررسی‌های صورت گرفته در حال حاضر ۳۵ گروه تروریستی علیه ایران فعالند و از ابتدای پیروزی انقلاب تا ترور شهدای هسته‌ای ۱۷هزارو ۴۰۰ قربانی ترور داریم. از این تعداد، کمتر از ۲۰ نفر آنها جزو مسؤولان یا مناصب مختلف بوده‌اند و

فراق ۱۲ ساله

آقای انتظامی خانواده‌هایی که درگیر حوادث تروریستی بودند در کنار از

دست دادن عزیزان خود همچنان با این حوادث کنار نمی‌امند و آسیب روحی را تاخ‌ر با خود دارند. شما با این آسیب چگونه کنار آمدید؟

حادثه تروریستی که برای ما پیش آمد نه اولین است و نه آخرین آن؛

بلکه یک روش و رویکردی است که همچنان روی میز تپه‌کاران وجود دارد و علیه کشورمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ما به‌عنوان خانواده عادی به کانون رقتیم و مشغول انجام مراسم مذهبی شدیم. فرزندانم علیرضا و عرفان را هم با خود برده بودم و در این حادثه بچه‌هایم جلوی چشم من تکه‌تکه شدند. این اتفاق برای یک لحظه بود اما تا آخر آن آسیب روحی باقی خواهد ماند و ترمیمی برای آن نیست.

۱۲ سال از این ماجرا گذشته و ما هیچ‌وقت آن را فراموش نمی‌کنیم. این آسیب روحی قابل جبران نیست اما حداقل این است که تروریست‌هایی که آزادانه در کشورهای غربی در حال تردد هستند و از حمایت‌های آنها برخوردارند، جلویشان گرفته شود. الحمدلله سربازان گمنام امام زمان (عج) توانستند یکی از سرکردگان گروهک تروریستی تندر را که عامل اصلی انفجار کانون وصال بود و مغرورانه هم حرف می‌زد دستگیر کنند.

مثلا بیش از هزار نفر آنها نظامی هستند، اما بقیه این شهدا جزو افراد عادی جامعه بودند. از این فهرست ۱۲ هزار نفر از سوی منافقین ترور شدند. بیشتر این اقدامات تروریستی در اوایل دهه ۶۰ و در زمانی که کشور از قوام لازم برخوردار نبود، صورت گرفت. این ترورها در اوایل انقلاب زمانی انجام می‌شد که اصلا بحث تروریسم در منطقه و حتی در مناطق مختلف دنیا جزو مسائل مهم و روز به شمار نمی‌آمد و کشورهای دیگر با این پدیده چندان سروکاری نداشتند. حال البته امروزه می‌بینیم اروپا و دیگر کشورها چند وقتی است با این مقوله مواجه شده‌اند. خانم کلیتون در مقطعی می‌گوید بسیاری از این گروه‌های تروریستی شامل القاعده، طالبان و… را ما به وجود آورده‌ایم. طبیعی است که وقتی گروهی تروریستی مورد حمایت کشورها قرار می‌گیرد وآموزش می‌بیند و سلاح به دست می‌گیرد بعدها در مقاطعی حساب از دست‌شان در می‌رود و حامیان خود را نیز هدف قرار می‌دهند. اما آن موقع همین کشورها هیچ اعتنایی به تحولاتی مثل تروریسم که

۳ بعد از ظهر ۸ شهریور

شنبه هشتم شهریور یادآور رخت پرستن شهیدان رجایی و باهنر از این زمین خاکی به‌واسطه یک اقدام تروریستی است. حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری از نظر سطح قربانیان و نحوه انجام عملیات یکی از بحث‌برانگیزترین رویدادهای تاریخ سیاسی ایران است. ساعت ۳ بعدازظهر هشتم شهریور ۱۳۶۰ درحالی‌که رجایی و باهنر در دفتر نخست‌وزیری و در محل جلسه شورای عالی‌امنیت‌کشور در حال بحث و تبادل‌نظر بودند، انفجاری به‌وقوع‌پیوست و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایران به شهادت رسیدند. در ابتدا گمان می‌رفت که یکی از حاضران در جلسه به‌نام مسعود کشمیری سومین شهید این حادثه است اما به مدت کوتاهی او به‌عنوان عامل عملیات معرفی شد و متعاقب آن با انتشار اسناد و مدارک ظن و گمان اولیه درباره احتمال دست‌داشتن از این حادثه تروریستی به یقین تبدیل شد. بعد از گذشت نزدیک چهار دهه از این اتفاق همچنان بحث‌وبررسی درباره علت این حادثه و چگونگی ورود عوامل نفوذ به‌عنوان طراح و عامل عملیات محل بحث و گفت‌وگوی بسیار است. مسعود کشمیری در آن زمان منصبی همپایه جانشینی وقت دبیر شورای عالی‌امنیت‌ملی را داشت و بعد از فرار او مشخص شد که از وابستگان به سازمان منافقین است. روند ورود و نفوذ او در این جایگاه حساس همچنان محل سوال است. او در جایگاه یکی از امنیتی‌ترین پست‌های کشور قرار داشت و طبعاً این منصب این زمینه را فراهم می‌کرد که او به اطلاعات حساس و حیاتی‌کشور، ارتباطات مقامات و رفت‌وآمدهای شخصیت‌های مهم دسترسی داشته باشد. کشمیری هم به شیوه‌های نفوذ و کسب اعتماد افراد و حتی مقامات آگاه بود و با ظاهرسازی و عوامفریبی برای خود وجهه و جایگاه مطلوبی ساخت و حتی گاه، بنا به نقل، به‌عنوان پیشنماز نخست‌وزیری، شهیدان رجایی و باهنر با اقتدای به او نماز می‌خواندند. رویه دیگر او تظاهر به توجه به بیت‌المال و تضییع‌نکردن آن از سوی دیگران بود. او با این شیوه‌ها توانست مواد منفجره را در کیفی نزدیک به محل استقرار رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر جاسازی کند و آن حادثه غمبار را رقم بزند. چند روز بعد از این حادثه و همزمان با فرار

بودن آژانس را بسیار مهم دانست و ابزار امیدواری کرد جایگاه حرفه‌ای آژانس در افکار عمومی بیش از پیش تقویت شود. رئیس‌جمهور با اشاره به توافق خوب بین آژانس و سازمان انرژی اتمی ایران در این سفر گفت: آژانس باید به این نکته مهم توجه‌کند ایران، دشمنان قسم خورده‌ای دارد که همواره به دنبال ایجاد مشکل برای ما هستند. آنها کشتای هستند که هم



نظارت بیگانگانند.

سازمان ملل که معمولاً گروه‌های تروریستی را فهرست می‌کند آیا هیچ کدام از این ۳۵ گروه

ترویستی در ذیل این فهرست قرار می‌گیرند؟

سازمان ملل متحد هیچ‌کدام از گروه‌ها را جزو لیست ترویست‌ها قرار نداده اما برخی کشورها به دلایلی این کار را انجام می‌دهند. مثلا آمریکا در سال ۱۹۹۷ در دوره ریاست‌جمهوری کلیتون و با ادعای حسن‌نیت درباره ایران، سازمان منافقین را هشت سال در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. البته این صرفا کاری نمایشی بود و هیچ اقدامی علیه منافقین از سوی دولت آمریکا صورت نگرفت. منافقین همان‌موقع هم که در لیست ترور آمریکا بودند با پرچمشان جلوی کاخ سفید تجمع داشتند و مورد حمایت صریح افرادی از پارلمان و کنگره آمریکا بودند و اعضای اصلی کنگره در میتینگ‌های منافقین شرکت و بحث براندازی جمهوری اسلامی را مطرح می‌کردند.

گروهک پراک جزولیست‌ترویست‌های آمریکاست اما همه می‌دانند به‌عنوان یکی از ابزارهای آمریکا در غرب کشور مشغول فعالیت است. زمانی که گروهک الاحواز در روز ارتش در اهواز اقدام جوان که در یک روز و بدون هیچ نیت سیاسی صرفا برای انجام یک مراسم مذهبی وارد این مکان شدند مورد هدف ترویست‌ها قرار گرفتند. به‌عبارت دیگر، ترویست‌ها برای اعلام حضور خود حتما اقدامات ترویستی را در دستور کار قرار داده‌و می‌دهند با این هدف که نگذارند جامعه یک لحظه در آرامش باشد. ترویست‌ها می‌خواهند به حکومت‌هایی که با آنها مشکل دارند نشان دهند وجود آرامش در سطح جامعه حاکی از قدرت نیست و این‌گونه نیست که کشور در سطوح مختلف خود امنیت داشته باشد. اگر خاطراتنا باشد منافقین در اوایل دهه ۸۰ در تهران اقدام به خیماره زدن کردند و جمعی از مردم عادی را به شهادت رساندند. در محدوده‌های مرزی ترویست‌ها برای ایجاد اختلافات مرزی و تحریک قومیت‌های مختلف اقدامات ایذایی و تخریبی انجام می‌دادند.

اتفاقاتی که در کردستان و سیستان و بلوچستان روی داد با همین منطق صورت گرفت. یادم نمی‌رود وقتی عبدالمالک ریگی در شرق کشور چند اقدام ترویستی انجام داد، شبکه رنگارنگ با او مصاحبه کرد. ریگی در پاسخ به سوالی درباره این‌که آیا با دشمن به این نتیجه رسیده که نظام جمهوری همکاری اطلاعاتی با همدیگر داریم. یعنی این گروه‌ها با همدیگر کاملا هماهنگ هستند. در واقع این گروه‌ها نیستند که همدیگر را پیدا می‌کنند بلکه آنها ابزار سازمان‌های اطلاعاتی خارجی هستند. در واقع وقتی ما ۳۵ گروه ترویستی علیه ایران سخن می‌گوییم باید آنها را یک گروه دانست که در خدمت سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی خارجی است و با این‌که به لحاظ جغرافیایی در نقاط مختلف ایران فعالیت می‌کنند اما در هدف، مشترک و تحت

سلاح اتمی دارند و هم با آژانس همکاری نمی‌کنند. روحانی با اشاره به نتایج و دستاوردهای گذشته همکاری‌های ایران و آژانس، بر حفظ این دستاوردها تاکید کرد و گفت: در این سفر هم توافق خوبی حاصل شده‌که می‌تواند به حرکت در مسیر صحیح و درست برای حل و فصل نهایی مشکلات کمک کند./ پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری



کشمیری از کشور، در نشریه مجاهد، ارگان رسمی منافقین، یادداشتی بدون ذکر نام نویسنده منتشر شد که بعدها معلوم شد نویسنده آن کشمیری است. در آن یادداشت نویسنده به اقدامات متعدد خود درباره ورود به حساس‌ترین مراکز امنیتی کشور تا ختنی‌سازی اقداماتی علیه سازمان منافقین را تشریح کرده‌بود. شهیدان رجایی و باهنر در هشتم شهریور به شهادت رسیدند اما همچنان مساله نفوذ به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم مطرح است.